

نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب

غلامحسین کوشکی* - نادر علیزاده سرشت**

(تاریخ دریافت: 1394/3/2، تاریخ پذیرش: 1394/8/3)

چکیده

یکی از مهم ترین موارد صلاحیت دادگاه انقلاب رسیدگی به جرایم علیه امنیت است، اما پیرامون مفهوم و قلمرو جرایم امنیتی دو تفسیر وجود دارد. نخست، دیدگاه حداکثری که تفسیری موسع از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ارائه می نماید، رویه ی قضایی و ظاهر برخی قوانین مانند بند (ت) ماده ی 303 قانون آیین دادرسی کیفری 1392 متمایل به این نظر است. در مقابل، دیدگاه حداقلی تفسیری مضیق در خصوص قلمرو جرایم امنیتی ارائه می کند، این دیدگاه متعلق به حقوقدانان است. در این مقاله تلاش می شود دیدگاهی که تفسیر موسع را ترویج و توجیه می کند مورد واکاوی قرار گیرد تا تعارض آن با بسیاری از اصول دادرسی آشکار شود. در ورای تفسیر اخیر برخی مصلحت اندیشی های مقطعی همچون رسیدگی سریع و قاطع وجود دارد که در بلندمدت عرصه را بر جریان دادرسی عمومی که ضامن حقوق متهم است، تنگ و ضرورت ارائه ی تفسیر حداقلی از جرایم امنیتی برای رسیدگی در دادگاه اختصاصی انقلاب را دوچندان می کند.

کلمات کلیدی: صلاحیت، دادگاه اختصاصی، دادگاه انقلاب، جرایم امنیتی

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسؤل)

Email: naderalizadesersht@yahoo.com



مقدمه

از دیدگاه اصول سازمانی در نظام‌های دادرسی کیفری، مراجع کیفری به دو دسته‌ی عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. محاکم عمومی از لحاظ صلاحیت دارای طیف وسیعی از اختیارات برای رسیدگی به جرایم مختلف هستند. در مقابل آن محاکم اختصاصی، به صورت استثنایی و محدود در قالب نص قانون به جرایم خاصی رسیدگی می‌کنند، بر این اساس به مراجع قضایی اختصاصی «مراجع استثنایی¹» می‌گویند.

با توجه به اصل برابری اشخاص در برابر قانون، ضروری است رسیدگی به اتهامات اشخاص در محاکم عمومی و بر اساس قواعد آیین دادرسی کیفری یکسان انجام شود. بر این اساس، تشکیل و رسیدگی در دادگاه‌های استثنایی، باید به قدر متعین و ضرورت باشد. یکی از دادگاه‌های استثنایی دادگاه انقلاب است. لازم به یادآوری است «دادگاه‌های اختصاصی» را نباید با «دادگاه‌های تخصصی» اشتباه گرفت. دادگاه تخصصی در حقوق کیفری به شعبی از دادگاه‌های عمومی گفته می‌شود که وظیفه‌ی رسیدگی به جرایم خاص را بر عهده‌دارند و از لحاظ ترکیب قضات و شیوه‌ی رسیدگی تابع مقررات عمومی هستند، برای نمونه در نظام دادرسی کیفری ما جرایم رایانه‌ای و جرایم مرتبط با پول‌شویی در دادگاه‌های تخصصی رسیدگی می‌شوند،² برخلاف دادگاه‌های تخصصی، دادگاه‌های اختصاصی دارای ترکیب ویژه و صلاحیت محدودند، دادگاه‌های نظامی و انقلاب از این دست به شمار می‌روند.

به طور کلی در خصوص جنبه‌های امتیاز مراجع قضایی تخصصی و اختصاصی باید گفت مراجع اختصاصی دارای دو ویژگی مهم است: نخست، دارای آیین دادرسی ویژه و جداگانه‌اند و از سوی دیگر دارای ساختار و سازمان مستقل‌اند. حال آنکه مراجع قضایی تخصصی بخشی از مراجع قضایی عمومی به شمار رفته و فاقد آیین دادرسی مستقل است و

1. Special tribunal.

2 - در همین راستا در ماده 25 قانون آیین دادرسی کیفری 1392 مقرر شده است:

«به تشخیص رئیس قوه قضاییه، دادرهای تخصصی از قبیل دادرهای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرهای شهرستان تشکیل می‌شود».



از عموماً قواعد آیین دادرسی کیفری پیروی می‌کنند. از سوی دیگر سازمان مستقلی ندارند، بلکه درون دادگاه‌های عمومی و با هدف تخصص‌گرایی و در قالب تفکیک کار داخلی انجام وظیفه می‌کنند. لذا در حدود صلاحیت ذاتی و عمومی مراجع قضایی مجاز به صدور قرار عدم صلاحیت نیستند. وجود مراجع تخصصی با توجه به پیامدهای مثبتی که به همراه دارند، از محاسن نظام قضایی به شمار رفته و حال آنکه تعدد و تنوع مراجع قضایی اختصاصی مورد انتقاد و نکوهش است و باید به کمترین میزان خود برسد.

ممکن است به‌ویژه پس از تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال 1378 و نیز قانون آیین دادرسی کیفری 1392، این شبهه ایجاد شود که دیگر نمی‌توان دادگاه انقلاب را اختصاصی قلمداد کرد، بلکه با توجه به پیروی این دادگاه از قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری، دادگاه انقلاب را می‌توان دادگاهی تخصصی به شمار آورد. هرچند با تصویب قانون آیین دادرسی مذکور تا اندازه‌ای وضعیت دادگاه‌های انقلاب تحت شمول قواعد عام دادرسی قرار گرفته و این اقدام قانون‌گذار از این حیث قابل تحسین است، اما اقدام یادشده تغییری در خصوص وضعیت سازمانی این دادگاه (از حیث اختصاصی و تخصصی بودن) ایجاد نمی‌کند. چراکه دادگاه انقلاب دارای ساختار و سازمان مستقلی است و علی‌رغم اصلاحات اعمال‌شده در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قانون آیین دادرسی کیفری 92 در رسیدگی به جرایم امنیتی در مواردی چون دسترسی به وکیل و نحوه ابلاغ رأی دارای آیین دادرسی افتراقی است.¹

1- برای نمونه رجوع کنید به: تبصره‌ی ماده‌ی 48 اصلاحی 94/3/23 «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده‌ی 302 این قانون است، در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه‌ی قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند، اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه‌ی قضاییه اعلام می‌گردد». یا تبصره‌ی 2 ماده‌ی 380 همین قانون در مورد نحوه ابلاغ رأی در جرایم امنیتی مقرر می‌دارد: «در جرایم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذینفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید».



در این میان، با توجه به بند 1 ماده 5 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب سال 1373¹ و ماده 303 قانون آیین دادرسی کیفری 1392²، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به صورت روشن در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته است. از دیدگاه تحولات قانونی، دادگاه انقلاب به وسیله آیین‌نامه‌ی شورای انقلاب در مورخ 58/4/25 پایه‌گذاری شد،³ در این آیین‌نامه جرایم وسیعی در حوزه‌ی صلاحیت این دادگاه قرار داده شده بود که بسیاری از آن‌ها ارتباطی با حوزه‌ی امنیت داخلی و خارجی نداشتند. اوضاع و احوال شرایط سال‌های نخست انقلاب توجیه مناسبی برای تشکیل دادگاه اختصاصی جهت استقرار نظم و امنیت بود، این صلاحیت‌ها به همین ترتیب تا سال 1362 باقی ماند تا اینکه در این سال به وسیله‌ی ماده واحده‌ای از شمار جرایم این دادگاه به صورت

1- ماده 5 «به تعداد موردنیاز دادگاه‌های در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رئیس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد، و به جرائم ذیل رسیدگی می‌نمایند:

- 1- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی‌الارض.
 - 2- توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
 - 3- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام.
 - 4- جاسوسی به نفع اجانب.
 - 5- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر.
 - 6- دعاوی مربوط به اصل 49 قانون اساسی».
2. «ماده 303 - به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود:
- الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام.
- ب- توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری.
- پ- تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل.
- ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است».
- 3- شورای انقلاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای مدت محدودی تشکیل شد و وظایف مجلس شورای اسلامی را برای تصویب قوانین ضروری بر عهده داشت، قوانین زیادی توسط این مرجع به تصویب رسید که هنوز برخی از آن‌ها لازم‌الاجراست، آیین‌نامه‌ی تشکیل دادگاه انقلاب یکی از مصوبات این مرجع است که بعدها در سال 1362 به وسیله‌ی ماده واحده‌ی مجلس شورای اسلامی نسخ شد.

محسوسی کاسته شد¹ و در 6 بند احصاء گردید. هرچند برخی از بندهای این ماده واحده مثل بند 1 «کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» مصادیق زیادی را در برمی گرفت و قوانین متفرقه‌ی زیادی زیر عنوان مذکور قابل تفسیر و رسیدگی در این دادگاه بود؛ ولی در مقایسه با آیین‌نامه‌ی سال 1358 جرایم به صورت محسوسی کاهش یافته بود، در این میان تا سال 1373 مقنن در قوانین مختلف کیفری همچون آیین دادرسی کیفری که به کرات اصلاح و بازنگری شد، متعرض جرایم مندرج در صلاحیت دادگاه انقلاب نشد و سیاهه‌ی جرایم کاهش یا افزایشی نیافت، اما برخلاف رویه‌ای که مقنن در ماده واحده‌ی سال 1362 برای کاهش صلاحیت دادگاه در پیش گرفته بود و سعی در انطباق ساختار دادگاه اختصاصی انقلاب با موازین آیین دادرسی کیفری و اصل برابری افراد در اصول 19 و 20 قانون اساسی داشت،² قوانین متفرقه و آرا وحدت رویه‌ی کیفری به همان روال سابق بر صلاحیت این دادگاه افزودند. از جمله به قانون مبارزه با اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور سال 1369، قانون اصلاحی مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی سال 1374 و آرا وحدت رویه‌ی 521 و 541 سال‌های 1367 و 1369 و موارد متعدد دیگری که تا دهه‌ی هشتاد نیز ادامه داشت³ اشاره نمود، لازم به ذکر است بیشتر موارد افزایش صلاحیت این دادگاه مربوط به جرایم امنیتی است.

امید می‌رفت قانون آیین دادرسی کیفری 1392 وضعیت را روشن و از گسترش بی‌رویه صلاحیت دادگاه اختصاصی انقلاب جلوگیری کند و با نص صریح از شمار قوانین در این دادگاه بکاهد. در نسخه‌های نخستین این قانون امیدها تا حدودی جامه عمل پوشید و جرایم در صلاحیت این دادگاه در چهار بند احصاء شد و با وجود گسترده بودن مصادیق بندهای

1- این ماده واحده با عنوان «قانون حدود صلاحیت دادرسی دادگاه‌های انقلاب» در تاریخ 1362/2/11 به تصویب مجلس رسید و در روزنامه‌ی رسمی به شماره‌ی 11139 مورخ 1362/3/4 منتشر شد.

2- اصل 19 «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

اصل 20 «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

3- قانون متخلفین سمعی بصری سال 1386 و رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی 704 در همین سال از جمله موارد افزایش در این دهه می‌باشند.

آن بارقه‌ی امیدواری را ایجاد می‌نمود،¹ اما باین وجود، مقنن نه‌تنها از نسخ قوانین و آراء وحدت رویه‌ی سابق دوری جسته، بلکه با اضافه نمودن بند (ت) به ماده 303 که قبلاً بیان شد، بر بقا و استمرار صلاحیت گسترده‌ی دادگاه استثنایی انقلاب صحه گذاشت.

امنیت و جرایم امنیتی با نگاهی به تئوری‌های اندیشمندان و قوانین موضوعه از مفاهیم سیال و اختلافی است که ریشه‌های اختلافات در این زمینه تفاوت دیدگاه‌ها و زاویه‌ی دیدهای گوناگون و متنوع صاحب‌نظران نهفته است، امری که در عمل اسباب تشتت آراء در میان محاکم و متصدیان قضایی را فراهم نموده و نهایتاً دو دیدگاه متضاد در زمینه‌ی حدود و ثغور دادگاه انقلاب در زمینه جرایم امنیتی، فراروی هم قرار گرفته‌اند.

دیدگاه نخست، با تفسیر موسع از قوانین موضوعه‌ی راجع به جرایم امنیتی، در همه موارد دادگاه استثنایی (اختصاصی) انقلاب را صالح به رسیدگی می‌داند و در مقابل آن اندیشه‌ی حقوقدانانی خودنمایی می‌نماید که با تکیه بر اصل عام بودن صلاحیت محاکم عمومی و تفسیر مضیق صلاحیت محاکم اختصاصی و بهره‌گیری از اصول دادرسی عادلانه که در محاکم عمومی به صورت شایسته‌تری اجرا و تضمین می‌شود، سعی در محدود نمودن حوزه‌ی قلمرو دادگاه انقلاب دارند. هدف در این مقاله ارزیابی و سنجش این دو دیدگاه و برگزیدن دیدگاه مطلوب و موافق با موازین دادرسی کیفری است.

1- لایحه‌ی مذکور در تاریخ 1390/3/2 به تصویب گروه قضایی مجلس رسید و در تاریخ 1390/11/9 در صحن علنی به رأی گذاشته شد و به شورای نگهبان فرستاده شد، در ماده‌ی 303 این لایحه مقرر شده بود «- به جرایم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود:

الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، مجاریبه و افساد فی‌الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام؛

ب- توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛

پ- تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل».



1- از مفهوم شناسی امنیت تا تشتت آراء در خصوص آن

مفهوم امنیت با توجه به گستردگی آن، دشوار است. دانش‌های مختلف همانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی هر کدام از دیدگاه خود به مطالعه و بررسی این مفهوم پرداخته‌اند و در این مسیر رویکرد و دیدگاه یکسانی وجود ندارد.

حقوق کیفری نیز مصون از این تشتت آراء نیست و امنیت در این زمینه شاخه‌های مختلفی در برمی‌گیرد، مفهوم امنیت انسانی¹ که مفهومی متفاوت از امنیت نظامی است به صورت سنتی تعریف شده و بیشتر تمرکز آن بر مسائل سیاسی اجتماعی است (jansson 2009: 10) امنیت تجاری که مربوط به تضمین‌هایی است که طرفین به همدیگر می‌دهند تا تجارت صورت گیرد و در صورت تخلف ضمانت‌اجراهای خاصی دارد (wood R Philip 1995: 3).

در این گفتار سعی بر این است تا امنیت از زوایای گوناگون مفهوم‌شناسی شود تا در نهایت بتوان به تعریف جامع و مانعی دست یافت، امنیت در لغت و نزد لغت‌شناسان از ریشه‌ی «امن» به معنی ایمن شدن و در امان بودن است (دهخدا 1372: 2894)، راغب اصفهانی امنیت را بدین گونه تعریف نموده که «اصل امنیت» طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است، در نهایت از لسان لغت‌شناسان می‌توان امنیت را به معنای ترس از دست دادن امور جاری متعلق به فرد تعبیر نمود (راغب اصفهانی 1384: 794).

در میان حقوق‌دانان تعریف امنیت، به دلایلی که ابتدائاً ذکر شد مشخص و واضح نیست، از یک طرف رد پای امنیت و ضمانت‌اجرای کیفری در بسیاری از قوانین مادر و متفرقه دیده می‌شود، برای مثال از مجازات‌های محاربه و بغی و جرایم ماده 498 تا 512 کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی گرفته تا قوانین متفرقه سال‌های 1336، 1349، 1353 راجع به مجازات اخلال‌گران در امنیت صنایع، همه این قوانین به نوعی جلوه‌های از امنیت در حقوق کیفری کشورمان را نشان می‌دهند، اما هیچ کدام متذکر تعریفی از امنیت نشده‌اند. با همه‌ی این اوصاف، حقوق‌دانان با غور و تدبر در قوانین مختلف سعی در ارائه‌ی تعریفی از مفهوم امنیت داشته‌اند که در ادامه به ذکر اهم آن‌ها پرداخته می‌شود.

برخی حقوقدانان، برای یافتن جایگاه امنیت از زوایای مختلف به آن نگرسته‌اند، از تقسیم‌بندی امنیت چون هدف، امنیت چون ابزار برای حقوق کیفری و امنیت چون گفتمان بحث نموده‌اند، اما نهایتاً امنیت در حقوق کیفری را در حوزه‌ی امنیت ملی قرار داده‌اند و اعتراف نموده‌اند که امنیت ملی به‌مثابه معما می‌ماند (عالی پور 1389: 40)

این تعاریف برای درک مفهوم واقعی امنیت در حقوق کیفری راهگشا نیست؛ زیرا در نهایت بعد از برشمردن انواع مختلف معیارها، از ارائه‌ی تعریفی منطبق با یکی از آن‌ها ناتوان مانده و از امنیت در حقوق کیفری به‌مثابه‌ی معما تعبیر نموده است، در میان حقوقدانان دیگر نیز امنیت به مصادیق تعریف شده و تعریفی از مفهوم امنیت به چشم نمی‌خورد (پیمانی 1374: 1؛ ولیدی 1373: 17). برخی نویسندگان با تمسک به فقه که ریشه‌ی بسیاری از قوانین ماست و طبق اصل چهارم قانون اساسی می‌بایستی احکام شرعی بر مصوبات مجلس شورای اسلامی حاکم باشد، بر آن بوده‌اند تا تعریفی از مفهوم امنیت ارائه کنند، ولی در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که امنیت در لسان فقها به همان معنای لغوی به کار گرفته شده و به تعبیر دیگر فاقد حقیقت شرعی است (احمدوند 1387: 33).

اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز تعاریف گوناگونی از مفهوم امنیت ملی که حقوق کیفری در دل آن جای می‌گیرد ارائه نموده‌اند که بنا بر قولی بالغ بر 150 تعریف در مورد زوایای آن بیان شده (افتخاری 1379: 1)، اما عقیده‌ای که در این بین علت تشمت و اختلاف را مدنظر قرار داده، معتقد بر این نظر است که مفهوم امنیت ملی متأثر از سه گونه تحول است، نخست: تحولات جهانی، مانند جهانی شدن که موضوع مطالعات امنیتی کنونی است، دوم: تحولات منطقه‌ای که ناظر به معادلات و مناسبات امنیتی در حوزه‌ی جغرافیایی بوده و از حیث تأثیرگذاری، سهم به‌سزایی در حال حاضر ایفا می‌کند، سوم: فرآیند داخلی، (همان، 5). رویکردی که این نظریه ارائه می‌کند ما را در شناخت علت متغیر بودن مفهوم امنیت یاری می‌نماید، اما معیار و سنگ محکی جهت ارائه‌ی تعریف مفهوم امنیت در اختیار ما نمی‌گذارد.

در تلاش دیگری که برای تعریف مفهوم امنیت ملی صورت گرفته، با برشمردن دیدگاه‌های مختلف (بقای فیزیکی، تأکید بر بُعد نظامی، موقعیت سیاسی و رفاه اقتصادی یا منافع خارجی و در نهایت ارزش‌های ایدئولوژیک) همه‌ی این تفاوت‌ها را در نسبی و انتزاعی بودن پدیده‌ی امنیت ملی دانسته و مکاتب مختلف هر یک از منظر خاص به علت

تعارضات و ناامنی‌های بشری عقیده‌ای را ابراز نموده‌اند (فام ژرفنا 1381:151). نتیجه و ماحصل این تعریف، همان سخن ابتدائی ما در مورد پیچیدگی و میان‌رشته‌ای بودن مفهوم امنیت است، تعریف دیگری که از امنیت ملی، در روابط بین‌الملل وجود دارد و به مراتب بهتر از دیدگاه‌های قبلی است و می‌توان در حقوق کیفری نیز بر آن تکیه نمود بیان می‌دارد که «امنیت ملی، شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی بوده و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه‌ی زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل 1379:51)، در نهایت می‌توان بیان داشت که امنیت به‌طور کلی دارای معنایی سیال و در حال گذار است و به اقتضاء موقعیت سیستم حکومت و عدالت کیفری، ارزش‌های مورد توجه آن متفاوت است، برای مثال در نظام کیفری ما به دلیل تکیه به موازین شرعی، جرایم منافی عفت عمومی از جایگاه امنیتی بالایی برخوردار است و علت این استدلال ما، واکنش شدید کیفری از قبیل اعدام رجم و شلاق برای مرتکبین این‌گونه جرایم است، در کنار این ضوابط شرعی واکنش شدید افکار عمومی به جرایم فوق نیز در موضوع دخیل است و مقنن نیز بر لزوم حفظ ارزش‌های خانواده صحه گذاشته و عدالت کیفری طیف وسیعی از این اعمال را جرم‌انگاری نموده و در همه‌ی آن‌ها جنبه‌ی عمومی جرم غلبه دارد، در حالی که در نظام‌های دیگر امنیت در حوزه‌های دیگر مانند اقتصاد یا صنعت چهره‌ی کیفری به خود می‌گیرد و همه‌ی این تفاوت‌ها نشان از سیال و متنوع بودن مفهوم امنیت دارد، نهایتاً جلوگیری از آسیب و ترس ناشی از عوامل مختلف درون یا برون سیستمی شالوده‌ی اصلی امنیت را تشکیل می‌دهد، اما جرایم امنیتی دارای دو مفهوم عام و خاص در حقوق کیفری است. بدین منوال که بنا به اصول جرم‌انگاری و تعبیر خاصی که از عمل مجرمانه وجود دارد تا زمانی عملی نظم عمومی و امنیت جامعه را خدشه‌دار نکند شایسته نیست لباس و صبغه‌ی کیفری بر آن پوشاند، پس به‌طور کلی هر جرمی تا حدودی امنیت را متزلزل می‌نماید این تلقی مربوط به مفهوم عام جرایم امنیتی است، لیکن در مفهوم خاص جرایم امنیتی که مدنظر ماست، برخی جرایم مدنظرند که به‌صورت اخص ارزش‌هایی که شاخصه‌ی امنیت به شمار می‌روند را نشانه رفته‌اند و سعی در تزلزل و نابودی آن دارند، با نگاهی به جرایم امنیتی خاص به‌خوبی آشکار می‌شود که غالب به‌اتفاق این جرایم مانند جاسوسی، تحریک، اخلال علیه حاکمیت موجود است، زیرا همین حاکمیت متولی



پایداری و تضمین امنیت به شمار می‌رود و مقصود ما نیز در این مقاله از جرایم امنیتی مفهوم اخیر است.

2- جرایم امنیتی و ویژگی‌های آن

در قسمت پیشین امنیت از دیدگاه مفهوم‌شناسی بررسی شد و در جمع‌بندی و تضارب آراء در این حوزه مفهومی از امنیت بیان شد، در این قسمت تلاش بر این است تا ویژگی‌های جرایم امنیتی و وجه ممیزه‌ی آن با سایر جرایم را بیان نماییم تا زمینه‌ی ورود به بحث راجع به نوع تفسیر این گونه جرایم (موسع یا مضیق) برای تعیین مرجع رسیدگی فراهم آید.

1-2- وسعت جرم انگاری در حوزه‌ی امنیت

حقوق جزا به‌عنوان ابزار رسمی کنترل اجتماعی در جامعه ظرفیت فراوانی دارد تا به‌عنوان ضمانت اجرای ارزش‌های جامعه و حکومت به کار گرفته شود، ابزاری که قاطع، سریع و مؤثر است، به شرطی که به‌صورت معتدل و در آخرین گام مورد رجوع قرار گیرد، اصلی که چنین تلقی‌ای از حقوق کیفری دارد به‌عنوان اصل «حداقلی بودن حقوق جزا» مشهور شده و موردپسند قاطبه‌ی علمای حقوق است. این اصل زمانی اجازه‌ی ورود به ضمانت اجرای کیفری را تجویز می‌کند که «قواعد حقوق خصوصی، اداری و ضمانت اجرای خاص آن‌ها، توانایی لازم جهت تحقق اهداف مقنن را نداشته باشند» (غلامی 1391:45).

در حوزه‌ی امنیت، مقنن در تقابل بین آزادی و امنیت، دامن امنیت را گرفته و با جرم-انگاری گسترده و خارج از ضوابط جا افتاده‌ی حقوق کیفری سعی در حفظ و تداوم ارزش‌های مدنظر خویش دارد.

به‌عنوان مثال در تفکیک جرایم محاربه و افساد فی‌الارض در مواد 279 و 286 قانون مجازات اسلامی سال 1392 نشانی از این تلقی در مورد جرایم امنیتی به چشم می‌خورد.

2-2- توسعه‌ی جرم انگاری به رفتارهای غیرعمدی

در میان حقوقدانان این دیدگاه مشهور است که اصل بر عمدی بودن جرایم است و در صورتی که عنوان شک نماییم که آیا برای عملی عنوان غیرعمدی نیز در نظر گرفته شده

یا خیر بایستی قائل به عدم جرم‌انگاری شویم، چنانچه ما قتل عمد و غیر عمد داریم، ولی آیا تحریک غیر عمدی نیز داریم، بایستی حقوق افراد را در پرتو اصل برائت رعایت نماییم، اما مسئله در جرایم امنیتی خارج از قاعده‌ی بالاست و مقنن در موارد بی‌شماری به گسترش مصادیق غیر عمدی پرداخته است.¹

2-3- جرم‌انگاری مقدمات جرم

در تکوین مراحل ارتکاب جرم، بزه‌کار مراحل زیر را طی می‌کند، ابتدا مجرم قصد ارتکاب جرم می‌کند، سپس به تهیه مقدمات جرم مبادرت می‌ورزد، بعد شروع به اجرای جرم می‌نماید و نهایتاً جرم را به مورد اجرا می‌گذارد (گلدوزیان 1388:153)، اما در جرایم امنیتی معمولاً شرایط ارتکاب جرم سهل‌تر است؛ مثلاً اگر کسی به قصد ارتکاب قتل یا سرقت طناب یا نردبان تهیه کند، وی را نمی‌توان به عنوان ارتکاب یک جرم خاص یا تحت عنوان شروع به جرم قتل یا سرقت مورد تعقیب قرار داد (میرمحمدصادقی 1392:34)، اما در جرایم امنیتی مواردی وارد سیطره‌ی حقوق کیفری شده که اصولاً محلی از اعراب در این قلمرو ندارند، ولی به دلیل طبع خاص حوزه‌ی امنیت، قالب کیفری گرفته‌اند.²

2-4- مطلق بودن جرایم امنیتی

با توجه به تقسیم‌بندی که از جرایم با لحاظ نمودن عنصر مادی آن در حقوق جزای عمومی به جرایم مطلق و مقید وجود دارد (اردبیلی 1383:277) در حوزه‌ی امنیت جرم-انگاری به صورت مطلق است.

2-5- تشدید مجازات

در زرادخانه‌ی حقوق کیفری ایران جرایم بسیاری وجود دارند که مجازات مرتکب آن‌ها سلب حیات یا سایر مجازات‌های شدید مانند حبس‌های طولانی مدت است، اما آنچه

1- به عنوان مثال می‌تواند به مواد 27 و 28 قانون مجازات نیروهای مسلح سال 1382 (راجع به بی‌مبالاتی در تخلیه‌ی اطلاعاتی) و ماده‌ی 8 قانون اخلاص‌گران در صنایع نفت ایران اشاره نمود.

2- برای مثال مواد 498 و 499 قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) در مورد عضویت در یک گروه یا ماده‌ی 512 از همین فصل مشخصاً از این دست عناوین‌اند.



در نظر ما از اسباب تشدید مجازات جرایم امنیتی به شمار می‌رود. عدم پیش‌بینی نهادهای ارفاقی مانند تعویق (بند «الف» ماده‌ی 47)، مجازات‌های جایگزین حبس (ماده‌ی 71)، عدم پیش‌بینی مرور زمان (ماده‌ی 109) (میرمحمدصادقی، همان: 35) جلوگیری از ملاقات وکیل در مراحل اولیه‌ی رسیدگی (تبصره‌ی ماده‌ی 48 قانون آیین دادرسی کیفری)، جلوه‌ی دیگر تشدید مجازات در جرایم امنیتی با جرایم منافی عفت که طیف وسیعی از مجازات‌های سنگین مانند اعدام، قطع عضو و شلاق توسط شارع برای آن‌ها در نظر گرفته شده در تفاوت نگاه به مجرمین حوزه‌های مذکور است در جرایم منافی عفت «سیاست مبنی بر تخفیف است و شارع نه تنها اهتمام در اثبات آن‌ها را ندارد، بلکه به طرق و انحاء مختلف از قبیل توصیه مرتکب به توبه و استغفار و عدم اظهار و اقرار نزد دیگران و نیز سخت‌گیری در نحوه و شرایط و طریقه‌ی ثبوت موضوع در محکمه با مشکل مواجهه ساخته مگر به صورت علنی باشد (سالاری 49:1389)، سیاست عدم تجسس و گناه پوشی در این گونه جرایم (منافی عفت) در مواد¹ 241 قانون مجازات اسلامی سال 1392 و به صورت صریح‌تری در ماده‌ی 102 قانون آیین دادرسی کیفری 1392 و تبصره‌ی آن بیان شده است، با وجود اینکه ترک فعل در حقوق جزا استثنا بر جرم‌انگاری است و اصولاً قانون‌گذار به فعل اشخاص توجه بیشتری مبذول می‌دارد، ولی در جرایم امنیتی، عدم اقدام شخص غیرمسئول در اطلاع به مقامات مشمول مجازات می‌شود² (میرمحمدصادقی، همان: 34).

ویژگی دیگری که در جرایم امنیتی شایان ذکر است، فرا سرزمینی بودن مقررات کشورها در مورد مرتکبین این جرایم است، بدین معنی که مجازات اعمال صرف نظر از بعد مکانی (داخل یا خارج از حاکمیت کشورها) صورت می‌گیرد.³ در نهایت با توجه به ویژگی‌های مذکور در این قسمت و رویه‌ی قضایی و آراء محاکم کشورمان که در ادامه مفصلاً به آن پرداخته می‌شود، ماهیت جرم‌انگاری در حوزه و چارچوب امنیت ذاتاً گسترده و با نگاهی فارغ از هرگونه قیدوبند در سایر جرایم است، این

1- ماده‌ی 241 قانون مجازات اسلامی «در صورت نبود ادله قانونی بر وقوع جرایم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازرجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است...».

2- نمونه‌ای از این ویژگی در قوانین ما مشاهده نمی‌شود.

3- به ماده‌ی 5 قانون مجازات اسلامی رجوع شود.



توسعه‌ی افعال مجرمانه و ویژگی خاص باید در اتخاذ تصمیم راجع به جرایم مربوط به امنیت در پشت زمینه‌ی استدلال و نظریه‌ی ما نقشی بی‌بدیل ایفاء نماید، بدین سبب که گسترده بودن یک عنوان (جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی) با ذات دادگاه رسیدگی کننده (دادگاه اختصاصی) باید قابل جمع و انطباق باشد و گرنه نتیجه‌ی آن چیزی جز زیر پا نهادن ارزش‌ها و اصول قانون اساسی و دادرسی عادلانه نخواهد بود، ارائه‌ی تفسیری موسع از جرایم امنیتی مربوط به دادگاه انقلاب و سعی در گنجاندن تمامی عناوین ذیل بند (الف) ماده‌ی 303 قانون آیین دادرسی کیفری سبب ایجاد رویه‌ای نامطلوب برخلاف اصل عام بودن صلاحیت محاکم عمومی، اصل 19 و 20 قانون اساسی¹ ایران بیان نمود و نهایتاً به گسترش ویژگی‌های جرایم امنیتی برخلاف دادرسی جاری در سایر جرایم کمک می‌کند.

در ادامه با بررسی و تحلیل بیشتر سعی می‌شود تا محدوده‌ی جرایم امنیتی با نگاه به سایر ابعاد صلاحیت دادگاه انقلاب و ارائه‌ی تفسیری معقول از این صلاحیت‌ها روشن گردد.

3- نحوه‌ی تعامل جرایم امنیتی با سیاسی

در ایران با وجود ظرفیت اصل 168² قانون اساسی برای تعریف جرم سیاسی ولی هنوز نص رسمی که ماحصل فعالیت و عقاید نمایندگان ملت باشد، در دسترس نیست و اخیراً طرحی توسط 19 نفر از نمایندگان در این زمینه در دستور کار مجلس قرار گرفته اما زمان تقریبی تصویب این طرح نیز قابل پیش‌بینی نیست³، در وضعیت خلأ تعریف قانونی جرم

1- اصل 19 «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد زبان و مانند این‌ها سبب تمایز نمی‌گردد».

اصل 20 «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان حمایت قانون قرار دارند ..».

2- اصل 168 قانون اساسی «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه و در محاکم دادگستری صورت می‌گیرند. نحوه‌ی انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

3- با مراجعه به سایت پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس www.majlis.ir از محتوا و آخرین وضعیت این طرح اطلاع حاصل نمایید و برای مطالعه‌ی بیشتر در مورد مفهوم جرم سیاسی نگاه کنید به: زراعت،

سیاسی و مصادیق آن، جرایم امنیتی برجسته می‌شود و در پی آن دادگاه انقلاب و رسیدگی به صورت اختصاصی صورت می‌گیرد و در این حالت جرم سیاسی با امنیتی خلط می‌شود، در این قسمت سعی داریم با استفاده از دکترین و نظرات مطرح شده در مورد ماهیت جرایم سیاسی و امنیتی در مورد تعامل این دو گونه از جرایم تلاشی برای تعیین محدوده صلاحیت‌های دادگاه انقلاب صورت دهیم، اما شایان ذکر است در نبود قانون مشخص راجع به جرایم سیاسی، تأثیر این رویکرد فقط برای تشخیص جرایم امنیتی و خروج مصادیق ماهیتاً سیاسی و موارد مشابه است، در زمینه‌ی تعریف جرایم سیاسی دکترین حقوقی در ارائه‌ی تعریفی که جامع و مانع باشد آشفته به نظر می‌رسد، ولی در جهت تبیین این گونه اعمال مجرمانه یکسری دسته‌بندی‌ها صورت گرفته که در ادامه به آن اشاره می‌گردد:

3-1- دیدگاه جرم‌شناختی

بر اساس این تقسیم‌بندی مجرمین برحسب شیوه‌هایی که برای رسیدن به مقاصد خویش به کار می‌برند رفتار متفاوتی دارند، «گروهی با توسل به حيله و نیرنگ یا خشونت به فعالیت‌هایی دست می‌زنند که تهدیدی علیه نهادهای حکومتی به شمار می‌رود بدون آنکه صدمه‌ای به اشخاص بزنند» (اردبیلی 1392: 18)، اما عده‌ای دیگر از مجرمین سیاسی به اعمال خشن متوسل می‌شوند «و با تعرض اشخاص و ایجاد ترس و وحشت، قصد دارند در نهادها و شکل حکومت دگرگونی پدید آورند» (همان: ص 19).

به نظر می‌رسد در رابطه با گروه دوم از مجرمین سیاسی می‌توان بیان داشت ویژگی عمل ارتكابی این افراد شباهت بسیار زیادی به مجرمین عادی و بالأخص مرتکبین جرایم امنیتی دارد، زیرا در بسیاری از جرایم امنیتی خشونت شاکله‌ی رکن مادی بزه به شمار می‌رود.¹

عباس، جرم سیاسی، ققنوس، 1377 و پیوندی، غلامرضا، جرم سیاسی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم: 1388.

1- البته شایان ذکر است موارد استثنا نیز در این میان به چشم می‌خورد مانند جرم تبلیغ علیه نظام موضوع ماده‌ی 500 قانون مجازات اسلامی سال 1375 که معمولاً به صورت غیر خشونت‌آمیز صورت می‌گیرد.



3-2- دیدگاه‌های حقوقی

در دیدگاه‌های حقوقی دو تقسیم‌بندی مشهور عینی و ذهنی برای تمییز جرایم سیاسی از غیر آن به چشم می‌خورد.

دیدگاه عینی

بر مبنای این ضابطه نتیجه‌ی عمل ارتكابی مورد مذاقه قرار می‌گیرد به تعبیر دیگر «هرگاه رفتار بزهدکار به سازمان و شیوه‌ی کار قوای عمومی اعم از منافع سیاسی دولت و حقوق سیاسی شهروندان آسیب و گزند و وارد کند سیاسی است» (همان: 21). اگر ضابطه‌ی فوق را در جرایم امنیتی مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی اعمال کنیم بسیاری از جرایم این بخش مانند تشکیل دسته یا جمعیت باهدف برهم زدن امنیت کشور (ماده‌ی 498)، جاسوسی به‌نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد آورد (ماده‌ی 502) همکاری با دول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران (ماده‌ی 508) و بسیاری از جرائمی که برهم زدن نظم حاکمیت را نشانه گرفته‌اند، باید سیاسی تلقی و از اعداد جرایم امنیتی در صلاحیت دادگاه انقلاب خارج شود.

دیدگاه ذهنی

در این نظریه به داعی و قصد شخص توجه می‌شود، این توجه به انگیزه و قصد سبب می‌گردد تا کسانی که با اغراض سیاسی و بدون توجه به منافع شخصی مبادرت به ارتكاب جرم می‌نمایند بازشناخته شوند، ولی ایراد عمده‌ای که بر این دیدگاه وارد است، گسترش دایره‌ی شمول جرایم سیاسی که جرم مرکب و مرتبط را نیز در برمی‌گیرد، اما «امروزه بیشتر رفتارهای خشن خصوصاً جرایم علیه افراد بی‌گناه به بهانه‌های سیاسی از قلمرو جرم سیاسی حذف شده است» (همان: 24)¹.

1- برای آگاهی از نظریات دیگر در مورد نحوه‌ی تعامل جرایم سیاسی و امنیتی می‌توان به منابع ذیل رجوع کرد: هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، میزان، 1388 و سالاری، مهدی، جرایم علیه امنیت کشور، میزان، 1389 و اصغری، سید محمد؛ بررسی تطبیقی جرم سیاسی همراه با دو قاعده «درأ و نفی حرج» و علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج 1، فردوسی، 1373.

با توجه به نظرات ابراز شده که هر کدام به نوعی گوشه‌ای از پیچیدگی و ابهام مرز بین جرایم سیاسی عمومی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند می‌توان بیان داشت که روشن‌ترین ملاکی که برای تمایز میان جرایم سیاسی با سایر جرایم بر آن تکیه کرد غیر خشونت‌آمیز بودن این جرایم است، به تعبیر حقوقدانان عرب، جرایم سیاسی زبانی محسوب می‌شوند، برخلاف جرایم امنیتی که اغلب از خشونت برای به ثمر رسیدن آن بهره گرفته می‌شود، تشتت مذکور به سایر حوزه‌ها مانند تشخیص عمومی یا امنیتی بودن جرایم در صلاحیت کشیده شده و مشخصاً آراء شماره‌ی 1521¹ و 541² در مورد اختلاف دادگاه‌های عمومی با محاکم انقلاب صادر شده و در ادامه به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

4- تشتت آراء در تشخیص جرایم امنیتی از عمومی

همچنان که در قسمت پیشین به دو رأی شماره‌ی 521 و 541 و اختلاف محاکم عمومی و انقلاب در مرجع رسیدگی به جرایم موضوع آن‌ها اشاره نمودیم، در اینجا با بیان خلاصه‌ای از مذاکرات دیوان عالی کشور و استدلال‌های مختلف در این زمینه و نهایتاً نقد آراء زمینه را برای ورود به قسمت بعدی و نتیجه‌گیری نهایی در اتخاذ یکی از دو تفسیر (موسع یا مضیق) در زمینه‌ی صلاحیت دادگاه انقلاب برای جرایم امنیتی فراهم می‌نماییم.

1- رأی شماره‌ی 1369/12/9-521 «جرایمی که عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی است در صلاحیت دادگاه انقلاب است». متن رأی صادره بیان می‌دارد جرائم اعلام‌شده عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران موضوع بند 1 ماده‌واحد قانون حدود و صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب مصوب 1362 است که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادرهای انقلاب است؛ بنابراین رأی شماره 20/823 - 64/4/29 شعبه 20 دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود. این رأی طبق ماده‌واحد رویه قضایی مصوب 1328 برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

2- رأی شماره‌ی 1369/10/4-541 «ورود دسته‌جمعی و مسلح به عنف در موقع شب به منازل مسکونی و سرقت اموال با تهدید و ارعاب در صلاحیت دادرها و دادگاه انقلاب است». متن رأی بیان می‌دارد «ورود دسته‌جمعی و مسلح به عنف در موقع شب به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارعاب و وحشت، از جرائمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌سازد و رسیدگی به آن طبق بند 1 ماده‌واحد قانون مصوب 1362 در صلاحیت دادرها و دادگاه انقلاب است بنابراین رأی شعبه 20 دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص و این رأی بر طبق ماده‌واحد قانون وحدت رویه قضایی مصوب 1328 در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است».

در رأی شماره‌ی 521 که ناشی از اختلاف سه پرونده‌ی مشابه است، اتهامات سه پرونده مواردی از قبیل «مبادرت به تشکیل جلسات و ایجاد رعب و وحشت و قتل و غارت و توهین به مقامات قضایی و اداری و تشدید خرافات و بدعت‌گذاری در دین اسلام» است. نماینده دادستان استدلال نموده که مقنن برخی از جرایم خاص را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده و اگر برخی جرایم متعدد در صلاحیت دادگاه عمومی باشد، نافی صلاحیت دادگاه انقلاب نیست و بر همین اساس دادگاه انقلاب صالح است، رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی 541 مربوط به ورود به عنف و سرقت شبانه است که در آن سارقین با استفاده از لباس مبدل و استفاده از عناوین مجعول به اموال مردم دست برده‌اند و بین محاکم عمومی و انقلاب اختلاف پیش آمد و بنا به استدلالی که افراد سارق از عنوان پاسدار و مأمور عمومی دادستان استفاده نموده‌اند و موجب تشویش اذهان عمومی و اختلال در نظم جامعه شده‌اند، در مقام رفع تعارض رأی به نفع صلاحیت دادگاه انقلاب صادر شد. از نقطه نظر حقوقی بر رأی وحدت رویه شماره 521 «جرایمی که عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی است در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است» ایرادات جدی وارد است:

1- گسترش خرافات یا قتل و غارت اگر باهم صورت بگیرد آیا مجوزی برای عدول از صلاحیت عام محاکم کیفری عمومی به حساب می‌آید؟ آنچه مسلم است این که گسترش خرافات به دلیل ماهیت غیر ملموس و غیر قابل اثبات بودن آن از حوزه‌ی حقوق کیفری خارج است و نمی‌توان نص قانونی برای جرم‌انگاری آن در قوانین موضوعه یافت، قتل و غارت نیز جرایمی هستند که عناوین مختلفی از جمله قتل نفس ناشی از عداوت شخصی که مستوجب قصاص است یا محاربه‌ای که منجر به قتل شده و مجازات‌های چهارگانه‌ی خویش را دارد و واژه‌ی غارت نیز مبهم است و طیف وسیعی از جرایم من جمله سرقت‌های تعزیری، جرم ماده‌ی 683 و ممکن است شامل عنوان راهزنی که از مصادیق محاربه است به حساب آید.

نهایتاً مقصود این است که عناوین غارت یا قتل طیف وسیعی از جرایم را شامل می‌شود که بیشتر آن‌ها در صلاحیت محاکم کیفری غیر از دادگاه انقلاب قرار می‌گیرند، برای مثال اگر قتل نفس (اعم از عمد یا شبه عمد یا خطا محض) باشد بر اساس ماده‌ی 302 در محاکم کیفری 1 یا 2 بایستی مورد رسیدگی قرار بگیرد و این مطلب در مورد سرقت نیز صادق



است و تنها زمانی دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی است که بر عمل مرتکب عنوان محاربه یا افساد فی الارض صدق کند.

2- در صورت پذیرش استدلال مذکور در رأی تمامی جرایم سازمان یافته¹ و موارد تعدد جرم و جرایم شدید باید در دادگاه انقلاب رسیدگی شود، امری که با اصل 159² و تفسیر مضیق صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی منافات تام دارد، البته رویکرد مشابه این رأی وحدت رویه، توسط قانون مجازات اسلامی سال 1392 در ماده‌ی 286 برای تعریف جرم افساد فی الارض که در صلاحیت دادگاه انقلاب است مشاهده می‌شود، رویکردی که نامطلوب بودن آن به جهت عدول از دادرسی جاری در محاکم عمومی، قابل تأمل است.

3- صدور رأی شماره‌ی 521 در شرایط خاص کشور (جنگ تحمیلی) بایستی در نظر گرفته شود و اقدام سریع و قاطع در آن زمان و رسیدگی دادگاه اختصاصی دور از منطق حقوقی نیست، ولی در موقعیت کنونی در این رویکرد بایستی تردید و تجدیدنظر نمود.

4- اگر عنوان این رأی را ملاک بر ایجاد رویه در جرایم امنیتی قرار بدهیم، قوانین متفرقه‌ی بسیاری که عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی هستند در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می‌گیرند، خصوصاً بند (ت) ماده 303 قانون آیین دادرسی کیفری نیز بر این رویکرد صحه گذاشته، قوانینی مانند امنیت هواپیمایی سال 1349، امنیت راه‌ها و راه آهن همان سال، اخلا لنگران در صنایع سال‌های 1336 و 1353 برخی از جرایمی هستند که در سیطره‌ی دادگاه انقلاب قرار می‌گیرند، این صلاحیت گسترده با بسیاری از اصول

1- جرم سازمان یافته اشاره به «اعمال مجرمانه‌ی ارتكابی توسط گروه‌هایی از اشخاص دارد که به شکل منسجم و متشکل گرد هم آمده‌اند و معمولاً قصد آن دارند که از اعمال خود فواید مالی کسب کنند» (میرمحمدصادقی 1390:192). در تعریف مشابه دیگری به «حالت همکاری سه نفر یا بیشتر در تحقق یک نقشه‌ی مجرمانه با قصد تحصیل منافع مالی» جرم سازمان یافته اطلاق گردیده (خالقی 1393:297). علی‌رغم کنوانسیون‌های متعدد در سطح بین‌المللی برای مقابله با جرایم سازمان یافته که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به (کنوانسیون پالمو سال 2000) اشاره کرد، حقوق کیفری ایران اخیراً توجه خاصی به این مفهوم مبذول داشته، به‌طور مثال ماده‌ی 44 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز سال 92 یا تبصره‌ی 2 ماده‌ی 130 قانون مجازات اسلامی در پی اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه در مبارزه با این‌گونه جرایم است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، محمدابراهیم شمس ناتری، نشر میزان توضیحات ذیل ماده‌ی 130.

2- اصل 159 راجع به رسیدگی به دعاوی در محاکم دادگستری است و در کنار اصل 172 که راجع به دادگاه اختصاصی نظامیان است، عام بودن مراجع عمومی برای رسیدگی به دعاوی مختلف از آن استنباط می‌شود

قانون اساسی و رسیدگی منصفانه در تعارض است، مشخصاً در اصول 19، 20، 159، 172 و به‌طور کلی فصل سوم قانون اساسی برخی حقوق برای برابری افراد در دادرسی پیش‌بینی شده که مقررات این بخش از آیین دادرسی کیفری برخلاف مواد ابتدایی این قانون که نویدبخش تضمین حقوق مردم است، خالی از انتقاد نیست.

رأی شماره‌ی 541 نیز که مربوط به «ورود دسته‌جمعی و مسلح به عنف به منازل مسکونی و سرقت اموال یا تهدید و ارعاب است»، از جهات ذیل قابل انتقاد است:

1- استدلال به اینکه جرم نظم و امنیت عمومی جامعه را برهم زده پس باید به نفع دادگاه انقلاب رفع تعارض شود به هیچ وجه صحیح نیست؛ زیرا بر اساس تعریف جرم در حقوق جزای عمومی، جرم به عملی اطلاق می‌شود که مخالف نظم اجتماعی باشد و مصرح در قانون جزا و توأم با کیفر است (اردبیلی، همان: 22).

امر مسلم بین حقوقدانان نکته‌ی مذکور در بالاست که هر جرمی در مجموعه‌ی قوانین جزایی پیش‌بینی شده به‌نوعی نظم عمومی را برهم می‌زند و اگر غیرازاین بود اساساً به‌عنوان جرم در قانون جای نمی‌گرفت، این استدلال در مقام رفع تعارض نیز به کار می‌آید و بر اساس این امر بدیهی که جرم ارتکاب یافته نظم عمومی را برهم زده نمی‌توان قائل به صلاحیت دادگاهی شد، بلکه جرمی یافت نمی‌شود که نظم عمومی را برهم نزنده باشد، ولی شدت آن در جرایم مختلف متفاوت است: میان توهین و قتل در میزان برهم زدن نظم جامعه تفاوت فاحشی به‌صورت ملموس به چشم می‌خورد، اقدام دیوان نسبت به رفع تعارض به نفع دادگاه انقلاب به این دلیل که جرم ارتکاب یافته باعث تشویش اذهان عمومی و برهم خوردن نظم جامعه شده به‌هیچ‌وجه از لحاظ حقوقی قابل توجیه نیست.

2- ویژگی‌های جرم ذکرشده در رأی وحدت رویه بر اساس قوانین فعلی و عقیده‌ی برخی اساتید (میرمحمدصادقی 1387: 131) و نظریه‌ی شماره‌ی 7/9650 مورخ 71/11/3 اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه منطبق با ماده‌ی 654 قانون مجازات اسلامی قلمداد می‌شود که هنوز الزام قانونی دارد، در مورد این انطباق می‌توان بیان داشت خصوصیت خاصی در مورد این جرم از میان سرقت‌های مشدد دیده نمی‌شود تا ارکان نظام یا امنیت جامعه را به شدت خدشه‌دار کند، بلکه جرمی علیه اموال و مالکیت است و در این دسته جای می‌گیرد.



اگر از دیدگاه شدت مجازات نیز بخواهیم صلاحیت دادگاه انقلاب را در این مورد توجیه نماییم، بسیاری از جرایم تعزیری در همان کتاب پنجم وجود دارند که علی‌رغم شدت مجازات، در صلاحیت محاکم عمومی قرار دارند؛ نمونه‌ای از این دست جرایم، ماده‌ی 651 است که از لحاظ حداقل مجازات برابر و در حداکثر مجازات بیست سال حبس برای مرتکب این جرم پیش‌بینی شده و از هر لحاظ شدیدتر محسوب می‌شود، ولی در محاکم عمومی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اگر معیار اخلال در نظم عمومی مورد استناد رأی ملاک باشد، جرم موضوع ماده‌ی 651 شایسته و ارجح‌تر است تا در دادگاه اختصاصی رسیدگی شود، نهایتاً معیار دیوان عالی کشور از اعطاء صلاحیت رسیدگی به جرایم موضوع مواد 521 و 541 با فلسفه‌ی تشکیل دادگاه اختصاصی که در گذشته استثنایی خوانده می‌شد سازگار نیست و ارائه‌ی چنین معیار گسترده و موسعی از امنیت و اخلال در آن، منطقی به نظر نمی‌رسد و شایسته است جرایم موضوع این آراء وحدت رویه و بسیاری از قوانین متفرقه در صلاحیت محاکم عمومی قرار بگیرند.¹

5- محدوده‌ی جرایم امنیتی دادگاه انقلاب

در بخش نخست طی چند گفتار سعی بر آن بود تا با تکیه بر مفهوم امنیت، ویژگی جرایم امنیتی، نحوه‌ی تعامل جرایم امنیتی و سیاسی و درنهایت با عنایت به تشریح آن در این زمینه ساختار و وضعیت جرایم امنیتی تبیین شود، درنهایت نتیجه‌ای که از قسمت پیشین حاصل شد، احراز سیاست افتراقی و طبع خاص این گونه جرایم بود. دادگاه انقلاب محکمه‌ی اختصاصی است این محاکم «برخلاف دادگاه‌های عمومی، دادگاه‌های کیفری اختصاصی فقط برای قضاوت در مورد جرم‌هایی صلاحیت دارند که رسیدگی مطابق قانون به دلیل نوع خاص جرم یا ویژگی شخص مرتکب به آن دادگاه‌ها واگذار شده است» (ابراهیمی، تدین و کوشکی 206:1384)، بنابراین «اصل در رسیدگی به جرایم صلاحیت مراجع عمومی است و هرگاه قانون‌گذار تکلیف مراجع صالح جهت رسیدگی به جرمی را مشخص نکرده باشد باید بدون شک به صلاحیت دادگاه‌ها و مراجع تحقیق عمومی حکم کرد» (آشوری 91:1388).

1- لازم به ذکر است در قانون اصلاحی مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392/10/3 در مواد ۲۲، ۲۳، ۴۴ آن اقداماتی در جهت کاهش صلاحیت‌های دادگاه انقلاب صورت گرفته است.

دو اصل مذکور فوق آیینی تفسیر برای تعیین صلاحیت محاکم اختصاصی است، اصل اول ضامن پاسداری از برابری و مساوات افراد در برابر سیستم عدالت کیفری تلقی می‌شود، بدین معنا که لزومی ندارد افراد بنا به ویژگی خاص خویش در دادگاه‌های اختصاصی و خارج از سیستم عدالت کیفری عمومی مورد محاکمه قرار بگیرند، اما شایان ذکر است اگر در دادگاه‌های اختصاصی مزایا و حقوق بیشتری جهت تضمین حقوق متهمان پیش‌بینی شود، این دادگاه‌ها ممدوح می‌باشند و با اصول دادرسی نیز منافاتی ندارند، برای مثال دادگاه‌های اطفال¹ از این دست به شمار می‌روند (آخوندی، همان: 257).

اصل دوم نیز نتیجه‌ی منطقی و دنباله‌ی همان تساوی افراد در برابر سیستم عدالت کیفری است و اگر استثنایی در این زمینه توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده باید در موضع نص تفسیر شود و از دامن زدن به قلمرو آن پرهیز شود.

به‌طور کلی دادگاه‌های اختصاصی به پنج دسته تقسیم می‌شوند که به‌صورت مختصر بیان می‌شود:

- 1- باهدف شدت عمل و سختگیری بیشتر نسبت به برخی متهمان تشکیل می‌شود (مانند دادگاه انقلاب یا نظامی)؛
- 2- باهدف دقت عمل و تسهیل بیشتر نسبت به برخی متهمان (مانند دادگاه اطفال) (خالقی، همان: 226)؛
- 3- در برخی سیستم‌ها برای جدا کردن برخی متهمان متنفذ از سیستم عادی رسیدگی و اعمال نظارت مستقیم به محاکمه‌ی آنان (مانند دادگاه ویژه‌ی روحانیت) (دریاباری 53:1383)؛

1- قابل ذکر است علی‌رغم تحولات و نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری سال 92، دادگاه اطفال و نوجوانان همانند قانون سابق در زمره دادگاه‌های تخصصی قرار دارد، تمایل به این امر در تبصره‌ی 1 ماده‌ی 315 که مقرر می‌دارد:

«در هر شهرستان به تعداد موردنیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به‌عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست»، به‌خوبی استنباط می‌شود.

4- تشکیل دادگاه‌های موقت اختصاصی برای رسیدگی به جرایم دوران خاص مانند دادگاه‌های بین‌المللی توکیو و نورنبرگ یا یوگسلاوی و رواندا با اندکی تسامح در این دسته قرار می‌گیرند؛

5- در برخی کشورها دادگاه‌های اختصاصی با ترکیب مشخص از سوی مقنن برای رسیدگی به برخی جرایم پیش‌بینی شده، مانند جرایم جنسی یا اقتصادی که همیشه با حضور متخصص برگزار می‌شود.

دادگاه انقلاب با وجود اوصافی که ماهیت جرایم امنیتی را تشکیل می‌دهد و تدابیر خاص که در این دادگاه لحاظ شده، بدون شک در میان پنج دسته مذکور در طبقه‌بندی با دسته‌ی اول سنخیت و همگونی بیشتری دارد، با توجه به سه نکته‌ی قبلی (اصل عمومیت محاکم عادی، تفسیر به نفع صلاحیت این محاکم در مقام شک، شاکله‌ی دادگاه و جرایم موضوع در صلاحیتش)، ارائه‌ی تفسیر از صلاحیت محکمه در جرایم امنیتی باید مضیق باشد، اگرچه قوانین در این زمینه تاب تفسیر موسع را دارند.

دلایل پذیرش تفسیر مضیق در مورد صلاحیت دادگاه انقلاب عبارت‌اند از:

1- از دیدگاه علمای اصول تبادر یکی از راه‌های شناخت حقیقت از مجاز است¹، بدین معنا که هرگاه عبارت یا واژه‌ای برای اولین بار به ذهن خطور نماید، معانی بعدی که به دنبال آن می‌آید مجاز به شمار می‌رود، حقیقت همان معنای نخست است. از این ابزار اصولی در تفسیر صلاحیت دادگاه انقلاب به این شکل می‌توان بهره گرفت که از عبارت «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» در بند (الف) ماده‌ی 303 قانون آیین دادرسی کیفری 1392 اولین قانونی که به ذهن متبادر می‌شود و منطبق با آن است فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت همین عنوان است و اگر مقنن معنای دیگری که شامل سایر قوانین نیز شود مدنظر داشت در مقام بیان بود و قرینه‌ای برای معنای مقصود خویش بیان می‌نمود.

2- ارائه‌ی تفسیری مضیق از صلاحیت دادگاه انقلاب در زمینه‌ی جرایم امنیتی سبب سازگاری و انطباق بیشتر این دادگاه با اصل عام بودن محاکم عمومی و اصول 19 و 20 قانون اساسی می‌شود، آنچه در نظام قانون‌گذاری ما طبق اصول 72 و 96 قانون اساسی بنا

1- برای مطالعه‌ی بیشتر مراجعه کنید به: محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه، چاپ 55، انتشارات دانشگاه تهران، 1394.



شده، نظارت شورای نگهبان در تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی و شرع است، حال قانونی با طی تمام مراحل از تأیید این شورا عبور نموده باید به گونه‌ای تفسیر شود تا کمترین اصطکاک و ناهمگونی را با قانون اساسی داشته باشد، ارائه‌ی تفسیری مضیق از جرایم امنیتی در محدوده‌ی صلاحیتی دادگاه انقلاب گامی در این راستا به شمار می‌رود.

3- منطبق حقوقی اقتضا می‌کند در امری که مُرجّحی در شک بین دوران امر میان حداقل و حداکثر یک موضوع نباشد - البته در اینجا به نفع تفسیر حداقلی و مضیق مرجحات بسیار است - باید به قدر متیقن اکتفا شود تا مرزهای آن دستور رعایت شود و امر آمر، شارع یا مقنن نیز برجای نماند، در کنار این مسائل رعایت اصل تفکیک قوا و عدم مداخله‌ی قوای سه‌گانه خارج از معیارهای قانونی نیز بایستی ملحوظ شود.

4- به کار گرفتن تفسیر مضیق زمینه را برای جلوگیری از تعارض صلاحیت محاکم کیفری و اطلاع‌ی دادرسی و صدور آرا وحدت رویه‌ی متعارض فراهم می‌کند، رأی شماره‌ی 704 راجع به صلاحیت دادگاه انقلاب در مورد اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور موضوع ماده‌ی 1 همین قانون نتیجه‌ی رعایت تفسیر مضیق در این زمینه است، در این رأی اصل رسیدگی به جرایم موضوع ماده‌ی 1 قانون اخلاالگران در نظام اقتصادی در صلاحیت محاکم عمومی قرار گرفته و در صورتی که به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی یا به قصد مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام باشد در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود. محاکم عمومی و انقلاب اگر تفسیر مضیق در این باره داشتند نتیجه‌ای که در دیوان عالی کشور بعد از مراحل مختلف و طولانی حاصل شد در ابتدا به دست می‌آمد.

نتیجه‌گیری

امنیت و جرایم امنیتی از لحاظ مفهوم دارای معانی بسیاری هستند؛ همین اختلاف دیدگاه‌ها سبب شده در مورد ارائه‌ی تعریف یکسان درباره‌ی مفاهیم فوق مشکل ایجاد شود، ولی جلوگیری از آسیب و ترس ناشی از عوامل مختلف درون و برون سیستمی شالوده‌ی اصلی مفهوم امنیت را تشکیل می‌دهد، جرایم امنیتی ویژگی‌های خود از قبیل مطلق بودن، فرا سرزمینی بودن، شدت مجازات و ... را دارد، همین عوامل باید در تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده و ارائه‌ی تفسیر از مواد قانونی و انتخاب دیدگاه حداکثری (موسع) یا حداقلی (مضیق) مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ زیرا ذات جرایم امنیتی

گسترده‌گی و تاب تفسیر دارد و ارائه‌ی تفسیری موسع به‌وسیله‌ی رویه‌ی قضایی و دکترین از قوانین و مقررات موجود بر این مقوله دامن می‌زند در نتیجه بسیاری از اصول قانون اساسی (اصل 19، 20، 159 و 172) و اصول حقوقی در دادرسی مانند اصل استثنایی بودن صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی به وادی فراموشی سپرده می‌شود.

آراء وحدت رویه‌ی شماره‌ی 521 و 541 آشکارا در جهت توسعه‌ی مصادیق جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب گام برداشته‌اند و با بسیاری از اصول حقوقی و قوانین موضوعه در تعارض‌اند.

در جرایم سیاسی و امنیتی، دیدگاه مختلف وجود دارد که هر کدام مبتنی بر نگاهی خاص است، اما می‌توان بیان داشت که رابطه‌ی میان جرایم امنیتی و سیاسی رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه است؛ بدین تعبیر که ممکن است که بعضی جرایم امنیتی، سیاسی باشند، مانند ماده‌ی 500 قانون مجازات اسلامی و بالعکس، بعضی جرایم سیاسی نیز، امنیتی محسوب می‌شود، در واقع میان این دو گونه از جرایم از لحاظ منطقی رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه برقرار است، در نهایت با توجه به سیال و در حال تغییر بودن مفهوم امنیت و ویژگی خاص این گونه جرایم و اصل استثنایی بودن صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی و اصول قانون اساسی و همچنین انطباق عنوان «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» در بند (الف ماده‌ی 303) قانون آیین دادرسی کیفری با فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (498 تا 512) بایستی از مفهوم جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تفسیری مضیق ارائه شود، وگرنه بسیاری از قوانین متفرقه و جرایم مندرج در بند (الف) ماده‌ی 5 قانون مجازات اسلامی (صلاحیت واقعی) بایستی در دادگاه اختصاصی انقلاب مورد رسیدگی قرار بگیرد که امری مطلوب به نظر نمی‌رسد و مفاد بند (ت) ماده‌ی 303 قانون آیین دادرسی کیفری باید به‌وسیله‌ی رأی وحدت رویه و رویه‌ی قضایی محدود تفسیر شود.

منابع

الف) فارسی

- آخوندی، محمود. (1389). آیین دادرسی کیفری. ج 2، چاپ هشتم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- احمدوند، محسن. (1387). جرایم امنیتی در فقه. تهران، کمیل.

- اردبیلی، محمدعلی. (1383). حقوق جزای عمومی. ج 1، چاپ بیست و یکم، تهران، میزان.
- اصغری، سید محمد. (1388). بررسی تطبیقی جرم سیاسی همراه با دو قاعده‌ی «درأ» و «نفی حرج». تهران، اطلاعات.
- افتخاری، اصغر. (1379). «امنیت در گذار». فصلنامه‌ی راهبردی، سال سوم، ش 4.
- پیمانی، ضیاءالدین. (1374). حقوق کیفری اختصاصی. چاپ دوم، تهران، میزان.
- پیوندی، غلامرضا. (1388). جرم سیاسی، چاپ دوم. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خالقی، علی. (1393). آیین دادرسی کیفری. چاپ بیست و پنجم، تهران، شهر دانش.
- دهخدا، علی اکبر. (1372). لغت‌نامه. چاپ دوازدهم، تهران، دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس. (1377). جرم سیاسی. تهران، ققنوس.
- عالی پور، حسن. (1389). جرایم علیه امنیت ملی. تهران، معاونت آموزشی قوه‌ی قضاییه.
- علی آبادی، عبدالحسین. (1373). حقوق جنایی. ج 1، چاپ سوم، تهران، فردوسی.
- غلامی، حسین. (1391). «اصل حداقلی حقوق جزا». فصلنامه‌ی حقوق کیفری، سال اول، ش 2.
- قربانی، فرج‌الله. (1378). مجموعه آراء وحدت رویه‌ی جزایی. تهران، مدین.
- کاشانی، سید محمود. (1383). استانداردهای جهانی دادگستری. تهران، میزان.
- کوشکی، غلامحسین، تدین، عباس، ابراهیمی، شهرام. (1388). نهادهای قضایی فرانسه. سلسبیل.
- سالاری مهدی. (1389). جرایم علیه امنیت کشور. تهران، میزان.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم. (1392). قانون مجازات در نظم حقوقی کنونی. تهران، میزان.
- ماندل، رابرت. (1379). چهره‌ی متغیر امنیت ملی. ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی راهبردی تهران پژوهشکده‌ی راهبردی.
- محمدی، ابوالحسن. (1394). مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه. چاپ 55. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- میرمحمدصادقی، حسین. (1387). حقوق کیفری اختصاصی 2. چاپ دوم، تهران، میزان.



- میرمحمدصادقی، حسین. (1392). حقوق کیفری اختصاصی 3. تهران، میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین. (1390). حقوق جزای بین‌الملل. تهران، میزان.
- ولیدی، محمد صالح. (1373). حقوق جزای اختصاصی. چاپ دوم، تهران، میزان.
- هاشمی، سید محمد. (1388). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ پانزدهم، تهران، میزان.

ب) منابع انگلیسی

- Jonsson, Ann (2009). *Human trafficking & human security*. USA and Canada by roaledge.
- Philip, R wood (1995). *Comparative law of security and guaandees Canada* sweet and Maxwell.